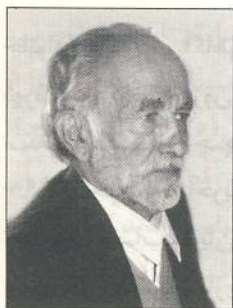




نقد و معرفی کتاب

چشم به راه تحفة الازهار و زلال الانهار

سید غلامرضا تهامی



علم الانساب یا تبارشناسی از جایگاه ممتازی در مجموعه فرهنگ عربی و اسلامی برخوردار است، که ریشه در ساختار قبیله‌ای قوم عرب، از قدیمترین دوران شناخته شده آن قوم دارد. وابستگی قبیله‌ای و طایفه‌ای، هم عامل تجمع و تماسک در میان افراد هر قبیله و طایفه و هم عامل تفرق و تمایز در میان قبایل و طوایف متعدد بوده است.

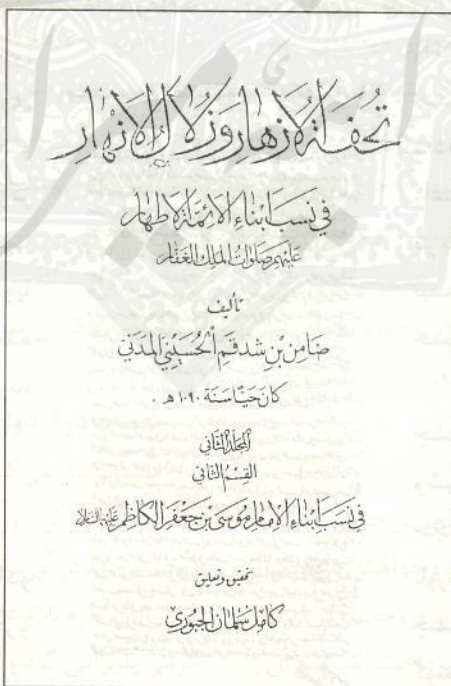
پس از ظهور اسلام و استقرار آن در جزیره العرب، که مبنای تقسیم مردمان به شعوب و قبایل را تنها در غرض «تعارف» و شناسایی

معتبر شمرد و هر گونه تفاخر و تفاضل قومی و طایفی را مردود دانست، علم نسب شناسی با هدف دیگری به حیات و اعتبار خود ادامه داد، که اساس آن بر شناخت انساب و ابستگان دودمان نبوی، از بنی هاشم و بنی عبدالمطلب و طالبیین و علویین و اشراف (سادات) حسنی، حسینی و موسوی متمرکز گردید. هر چند در حجم کمتری به انساب دیگر طوایف عرب و نیز به انساب عالمان و حاکمان مسلمان اعم از اعراب و ایرانیان و ترکان نیز پرداخت. توجه علمای نسب به منسوبان خاندان نبوت از چند انگیزه نشأت می گرفت. نخست نفس نسب رسول خدا -صلی الله علیه و آله- که به گفته خود آن حضرت تنها نسبی است که تا روز قیامت منقطع نمی شود. دیگر، تأثیر عمیق و وسیع و سرنوشت ساز این

سُلاله طاهره در همه رویدادهای تاریخ اسلام بود که هنوز هم پس از چهارده قرن نمایان است؛ و بالاخره اختصاصات افراد این خاندان در زعامت امت اسلامی و وجوب مودت ذی القربی و حرمت صدقه و وجوب خمس و ویژگیهای دیگر - هر چند با تفاوتی بر حسب نظرات مختلف- است. حاصل این توجه، ظهور مجموعه‌ای از کتب انساب است که علاوه بر تأمین هدف یاد شده، سهمی گران در تشریح تاریخ اسلام و سیره نامداران مسلمان دارد.

یکی از این مجموعه‌ها، که در شمار مهمترین و مفصلترین مراجع پژوهشگران انساب و تراجم و تاریخ و سیر،

و یکی از پرمایه‌ترین منابع ویژه انساب علویان است، کتاب نفیس تحفة الازهار و زلال الانهار نوشته نسابه سده یازدهم هجری، ضامن بن شذقم بن علی بن حسن حسینی است که با تحقیق و تعلیق استاد عراقی، کامل سلمان الجبوری و به اهتمام دفتر نشر میراث مکتوب در آستانه عرضه به طالبان و مشتاقان این فن است. مصنف در خانواده‌ای زاده و پرورده شد که پدر بر پدر نسب شناس و صاحب تألیف و تصنیف در علم انساب بودند. جدش زین الدین علی مؤلف کتابهای زهرة المقول فی نسب ثانی فرعی الرسول و نخبة الزهرة الثمینه فی نسب اشراف المدینه و جد بالاترش بدرالدین حسن، مؤلف کتابهای زهر الریاض و زلال الحیاض و المستطابه فی نسب سادات طایفه بودند. او از این زمینه مساعد



تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الأئمة الأطهار

ضامن بن شذقم الحسینی المدنی

تحقیق و تعلیق: کامل سلمان الجبوری

آینه میراث، چاپ اول، ۱۳۷۸

لرزشهای زمین شدت گرفت و تا ظهر روز بعد ادامه یافت. آن گاه زلزله‌ای هولناک را یکباره همه کوهها و دره‌ها را به جنبش در آورد و صدهایی همچون رعد در فضا طنین افکند. آن گاه آتشی متحرک

از دور پدیدار گردید که نمایی چون شهری بزرگ با باروها و کنگره‌ها و برجها و مأذنه‌ها داشت. سپس سیلی از آب و آتش از کوههای حُبس و سیل جاری شد که مانند رعد می‌غرید و مانند دریا می‌جوشید. دود و غبار فضا را فرا گرفت، آن چنان که خورشید را فروپوشانید. در ازای این سیل آتش چهار فرسخ و پهنای آن چهار میل و عمق آن به اندازه یک و نیم برابر قامت آدمی بود. حاکم مدینه امیر منیف کسانی را برای تحقیق و شناسایی به سوی آن فرستاد و چون فرستادگان به آتش نزدیک شدند، اسبها از جلورفتن سر باز زدند. پس مردان از اسبها فرود آمدند و پیاده به سوی سیل آتش رفتند و یکی از

آنان که غلام امیر بود و علم الدین سنجر نام داشت تا فاصله دو سنگ پرتاب به آن نزدیک شد و چون اخگرهایی همچون میخهای آتشین به این سو و آن سو پرتاب می‌شد، نزدیکتر از آن نتوانست برود. این سیل آتشین همچنان از غرب به شرق روان بود و بر هر کوه و صخره‌ای که می‌گذشت آن را درهم می‌کوبید و هر درختی را از جای بر می‌کند، مگر درختهای خشکیده را که بر جای می‌گذاشت... و در همان حال در شهر مدینه نسیم خنکی می‌وزید و زنان بر پشت‌بامها در پرتو آن آتش نخ می‌رشتند و کاتبان به نوشتن مشغول بودند و بقایای این آتش تا اول رمضان سال ۶۵۴ بر جای بود...»



صفحه اول از نسخه موجود به خط مؤلف

رفت و خود به درد فقر گرفتار شد. در همسایگی او مردی ناصبی بود که او را بر این کار استهزا می‌کرد و بر سیبل ریشخند از او می‌پرسید که مولای بزرگ تو - مرادش علی (ع) بود - با توجه کرد؟! شبی در عالم رؤیا رسول اکرم - صلی

الله علیه و آله و سلم - را دید که حسن و حسین - علیهما السلام - پیش روی آن حضرت می‌رفتند. پیامبر از آنان پرسید که پدر شما کجاست؟ علی (ع) که پشت سر پیامبر در حرکت بود پیش آمد و گفت: من اینجا هستم. پیامبر (ص) فرمود: چرا طلب این مرد را نمی‌پردازی؟ علی (ع) گفت: اینک با خود آورده‌ام. پیامبر (ص) فرمود: طلب او را بده و پاداش او در آخرت بر ذمه من است. پس امیرالمؤمنین - علیه السلام - کیسه‌ای را که در دست داشت به آن مرد داد و گفت: این طلب توست، بگیر. سپس پیامبر (ص) افزود:

طلب خود را بگیر و پس از این نیز هر یک از اولاد علی (ع) که از تو کمکی خواهد از او دریغ مکن، و ازین پس هرگز تو را فقری نخواهد بود. آن مرد از خواب پرید و کیسه‌ای در دست خود دید. پس زنش را بیدار کرد و به او گفت تا چراغی بیاورد، و محتوای کیسه را شمرد که هزار دینار بود.

زنش به او گفت: ای مرد! مبادا که فقیری و درویشی تو را به فریب دادن یکی از بندگان خدا وا داشته باشد؟! مرد گفت: نه به خدا، و ماجرا را با او باز گفت. سپس دفتر حساب خود را پیش آورد و دید که نام تمام بدهکاران علوی و ثبت بدهیهای آنها از دفتر محو شده است.

تعصب در ازدواج خانوادگی

مصنف نقل می‌کند که یکی از خانهای کرد ایرانی، دختری یکی از سادات که پدرش دور از وطن و در دیار کردها در گذشته بود را به زوجیت خود در آورد. وقتی خبر به عموزادگان آن دختر رسید، چند تن از آنان عازم بلاد عجم شدند و نزد خان کرد آمدند. خان از آنان به گرمی پذیرایی کرد و آنها را گرمی داشت. آنها از خان خواستند که دختر عمویشان را طلاق دهد، و دستاویز آنها این بود که ما به بیگانه - هر چند صحیح النسب و مالدار باشد - زن نمی‌دهیم و تو از دودمان ما نیستی و کفو ما نمی‌باشی و ما عذاب نار را بر ننگ و عار ترجیح می‌دهیم. خان کرد از پذیرش درخواست آنان امتناع کرد و آنها بر قتل

بدهکاری امیرالمؤمنین (ع)

نقل شده که در کوفه مردی بود به نام ابوالحسن جعفر، که ثروت بسیار داشت و با علویان به نیکی رفتار می‌کرد و خواهش هیچ یک از آنان را رد نمی‌کرد و اگر به یکی از آنان کالایی می‌فروخت، اگر خریدار بهای آن را می‌پرداخت می‌گرفت و اگر نمی‌پرداخت، مبلغ آن را در دفتری به حساب بدهکاری امیرالمؤمنین علی (ع) - بنیای همه سادات - ثبت می‌کرد و در برابر آن می‌نوشت که این مبلغ بدهی علی (ع) از بابت خرید فلان فرزند اوست. مدتی بر این منوال گذشت تا آنکه بتدریج و به طبیعت حال، کار او سخت شد و سرمایه‌اش از دست

او توطئه کردند تا با کشتن اونگ از دواج با بیگانه را از خاندان خود بزدایند و سرانجام روزی که همراه او به شکار بیرون رفته بودند، لحظه‌ای او را غافلگیر کردند و کشتند!

نکاح بادیه

مصنّف بارها و در لابه‌لای اخبار و احوال از نکاح بادیه سخن به میان می‌آورد و می‌افزاید که این گونه عقد که میان بادیه‌نشینان کم و بیش معمول است، شرعاً صحیح نیست. اما حدّ اقل می‌توان آن را در شمار وطی به شبهه تلقی کرد، و به عنوان نمونه‌ای از این عقد می‌نویسد که ناموس بن رکن از بزرگان سادات - که مردی خوش اندام بود - روزی از مدینه به عزم سفر بیرون رفت و در میان راه بر آل میمون - از طوایف سادات - گذشت و شب را میهمان آنان شد. در میان میزبانان دختری زیبا روی دید و هر دو در یک نگاه به هم دل بستند. چون شب فرا رسید و ناموس بن رکن به خوابگاه خود رفت. آن دختر به بستر او آمد و همان شب از او باردار شد. چندی بعد ناموس بن رکن او را از خانواده‌اش خواستگاری کرد و آنها او را به عقد وی در آوردند و پنج ماه پس از عقد پسری برای او به دنیا آورد! علاوه بر نقل این گونه اخبار و آداب، کتاب تحفة الازهار شامل اطلاعات بسیاری از رویدادهای تاریخی، جنگهای میان طوایف، نزاع بر سر حکومت شهرهای مدینه و مکه، و رقابت خلفای عباسی بغداد و فاطمیان مصر و حاکمان زیدی یمن در سلطه بر سرزمین حجاز است. همچنین در جای جای کتاب از حوادث و بلایای طبیعی

همچون زلزله‌ها، سیل‌های ویرانگر، آتش‌سوزیها و نیز از خرابیهای وارد شده بر حرمین شریفین و بازسازی و توسعه آنها، اخبار مبسوط و مفصّلی آمده است که در مجموع، خواننده را با چشم‌انداز وسیعی از اطلاعات درباره اوضاع و احوال شهرهای مکه و مدینه و اطراف آنها روبه‌رو می‌سازد و برای پژوهشگران در این زمینه، کار مایه گرانبیهایی فراهم می‌آورد.

تحقیق و تعلیق

گردآوری نسخ خطی این اثر، که اساس آنها را دو نسخه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه قادریه بغداد تشکیل می‌دهد، و تنظیم و ساماندهی او را ق پراکنده و در هم ریخته و تکمیل نواقص و اصلاح اغلاط و تطبیق موارد اختلاف، حاصل تحقیق و تدقیق استاد کامل مسلمان الجبوری مقیم کوفه است. اما با وجود کوشش و اهتمام شایان تقدیری که در تصحیح و تنقیح آن به عمل آمده، نسخه حاضر با ابهامها و اشکالهای متعدد روبه‌روست و محقق خود نیز اعتراف کرده که بسیاری از این موارد را بی‌آنکه راه اصلاحی برای آنها بیابد به حال خود وا گذاشته است. هر چند کارشناسان مرکز نشر میراث مکتوب نیز در مراحل مختلف ویراستاری آن، بسیاری از آن موارد ابهام و اشکال را اصلاح و رفع کرده‌اند، باز هم نکات غامض متعددی بر جای مانده که امید است پس از نشر اثر و نقد و بررسی صاحبان نظر، این نقایص نیز مرتفع گردد.



کتابخانه
متون



شاهنامه فردوسی، ابوالقاسم فردوسی؛ مقدمه سیاوش آگاه، مصحح ژول مول، تهران: نغمه، جلد اول و دوم و سوم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

کلیات غزلیات عرفانی شمس تبریزی؛ بر اساس نسخه خطی قدیمی و چاپی معتبر موجود در جهان / جلال الدین محمد بن محمد مولوی، مصحح، محمدرضا تبریزی شیرازی، تهران: فخر رازی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

دقایق الطریق / احمد رومی، به اهتمام محسن کیانی، تهران: روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

فهرستهای خود نوشت فیض کاشانی به انضمام پژوهشی در کتابشناسی و نسخه‌شناسی آثار او احمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مصحح: محسن ناجی نصرآبادی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

کتابنامه بزرگ قرآن کریم / تهیه و تنظیم: محمد حسن بکائی، تهران: قبله، جلد نهم، چاپ اول ۱۳۷۸.